

تاریخ ادبیات یا ادبیات در تاریخ

کریستف بالایی
ترجمه ویدا فرهودی

اسامی میرزا فتحعلی آخوندزاده، میرزا آقاخان کرمانی و میرزا عبدالرحیم طالبوف تبریزی زمانی چشم مرا بر بخش نوین ادبیات فارسی گشودند که همچون کودکی در کشف الفبا برای آگاهی از پایه‌های تجدد ادبی در ایران بودم. احتمالاً بدون هدایت روشنگر و برتر فریدون آدمیت، این سه نام برای مدتی طولانی بر چشمم پوشیده می‌ماندند چنانکه برای بسیاری تاریخ نگاران و نقادان ادبیات نوین فارسی، چنین بوده است.

من با «آدمیت» تنها به واسطه کتابهایش آشنایی پیدا کرده‌ام. او رابه عنوان نویسنده «امیرکبیر و ایران»، «اندیشه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده»، «اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی»، «اندیشه ترقی و حکومت قانون»، «اندیشه‌های طالبوف تبریزی» و... می‌شناسم. و چقدر شگفت‌انگیز است این تأکید بر واژه اندیشه! فریدون آدمیت در مقام مورخ، اهمیت بنیادین اندیشه، درخشش آن و جایگاه مؤثرش را در تحولات منجر به جامعه نوین ایرانی بررسی و منعکس کرده است. تاریخ اندیشه سرآغازی بنیادین در درک تجزیه و بازسازی افکار است. در اینجا آدمیت بامتونی اصولی، دستمایه لازم برای کشف راز دگرگونی زیباشناختی راز دیدگاه اجتماعی و سیاسی در اختیار جستجوگر قرار می‌دهد یعنی هر آنچه را که موجب نیل جامعه ایرانی به سمت تجدد می‌شود، می‌نمایاند. بدون این ابزار کلیدی روشنگر، نه ترسیم طرحی از تاریخ ادبیات نوین ایران ممکن بود، نه مطالعه اصولی ادبیات معاصر فارسی. بانگهای کوتاه بر این سه چهره نامی، تنها می‌توان در برابر شخصی که برای نخستین بار و با درخشش چشم‌گیر، توانست به ترسیم شخصیت

اندیشه‌های طالبوف تبریزی

توسعه
فره‌یون آوینت



انتشارات خوارزمی

چهارم - شانزدهم مهر ماه ۱۳۸۰ - شماره ۴۱

فردی و ارتباط متقابل آنها بپردازد، سر تعظیم فرود آورد. در واقع سه چهره آخوندزاده، کرمانی و طالبوف، در نیمه دوم قرن ۱۹، نقش افشاگر و انقلابی ایفا می‌کنند که ادبیات فارسی برای خروج [و رهایی] از جمود بدان نیازمند است. البته حرکت آنها از چارچوب ادبیات فراتر رفته و نقشی سیاسی و اجتماعی ایفا می‌کند. این نکته را «آدمیت» در مقام مورخ با درخشش و توان فراوان به اثبات رسانیده است.

برای درک صحیح پیشرفت ادبیات نوین فارسی و نگارش تاریخ آن، قبل از هر چیز، یافتن نقش آن در تاریخ حائز اهمیت است. تاریخ ادبیات برای بیان صادق ویژگیهای ادبی، باید در بدو امر مبتنی بر قرائن درست باشد. به عبارت دیگر [در اینجا] از سویی با سه چهره تاریخی به نامهای آخوندزاده، کرمانی و طالبوف برخورد می‌کنیم و از جهتی دیگر با سه شخصیت در پهنه ادبیات؛ در هر دو حالت این چهره‌ها نشانه‌هایی ملموس و قابل اثبات از واقعیات پیچیده و دور از دسترس هستند. ارزش مورخ در چنین موقعیتی مضاعف است چرا که به کشف مسئله‌ای مستند می‌پردازد؛ او با ارائه مدارک دقیق به تفسیری موشکافانه دست می‌زند؛ بر اساس این استناد و تفسیر است که نقد ادبی به ترسیم خطوط جدید تجزیه و تحلیل پرداخته، نشانه‌ها را، بنا بر معیارهای ادبی، در شکل‌های دیگر مورد بحث قرار می‌دهد.

این سه چهره [مورد نظر] که از مبدأ و سرنوشت با یکدیگر تفاوت دارند، دارای وجوه اشتراک متعدد هم هستند؛ هر سه در مهاجرت زندگی می‌کنند (کرمانی در استامبول، آخوندزاده و

طالبوف در تغلیس)؛ هر سه با ادبیات اروپایی در تماس هستند؛ هر سه در برقراری ارتباط بین اندیشه‌های فلسفی اروپایی و ایران مؤثرند.

شخص نخست یعنی آخوندزاده، پس از آشنایی با اندیشه‌های اروپایی، به سمت مفهوم دموکراسی و جدایی قدرتها توجه دارد. او از متفکرین نیرومند عصر خویش به‌شمار می‌آید که در تقاطع چند فرهنگ و تمدن، به‌پایه‌ریزی فعال اندیشه ایرانی در قرن ۱۹ می‌پردازد. آخوندزاده که دارای اصلیت ایرانی است، به‌سال ۱۸۱۲ میلادی در قفقاز دیده بر جهان می‌گشاید. (موطن او تحت سلطه امپراطوری روس قرار گرفته است). تعلیم و تربیت آغازینش تلفیقی از تعالیم سنی و نوین است. آخوندزاده در ابتدا از تفکرات اندیشمند آزاده «میرزاشفیخ» و سپس از آموزشهای «بکی خان» که از فضایی زمان به‌شمار می‌آید، بهره می‌گیرد و مجموعه این تعلیمات چشمان او را بر اندیشه‌های نوآمده غرب می‌گشاید. تسلطش بر زبانهای ترکی، روسی و فارسی او را به اشتغال به امر ترجمه سوق می‌دهد. آخوندزاده در تغلیس با متفکرین روس از جمله پوشکین، لرمونتوف یا گریبایدوف که شاعر و نویسنده هستند آشنا می‌شود. در همانجاست که پس از به‌دست آوردن دریافتهایی از فلسفه اروپایی، با اندیشه‌های اصلاح‌طلبانه ناپلئونی نیز آشنایی پیدا می‌کند. او همچنین در تغلیس به‌مسلمانان مرفقی نزدیک شده، تحت تأثیر اندیشه جدایی دین از سیاست قرار می‌گیرد. او از همانجا با روشنفکران متشخص ایرانی مانند ملک‌خان و میرزا آقاخان کرمانی مرتبط شده، به‌مکاتبه می‌پردازد. اندیشه سیاسی و اجتماعی آخوندزاده در آثار ادبی‌اش منعکس شده است: «تمثیلات» که از نخستین نمونه‌های رئالیسم در ادبیات آذری و فارسی است در ۱۸۵۳ م به‌زبان روسی، در ۱۸۵۹ م به‌ترکی و در ۴-۱۸۷۱ م به‌زبان فارسی انتشار می‌یابد؛ «مکتوبات» اثر دیگر آخوندزاده در ۱۸۶۳ م به‌ترکی و در ۱۸۷۴ به‌فارسی نوشته شده و نمایانگر تحولات ادبی و تخیل همراه با طنزی گزنده است. اندیشه و فعالیت آخوندزاده تأثیری بسزا بر حرکت‌های ملی، ضد عربی و ضد روحانی ایران داشته، جنبش مشروطه را در سالهای پایانی قرن ۱۹ تغذیه کرد. این سیر اندیشه، انقلاب مشروطه را درنوردیده از میرزا آقاخان کرمانی تا طالبوف از سوی و از زین‌العابدین مراغه‌ای تا کسروی، دهخدا و صادق هدایت جریان می‌یابد و گستره‌ای به‌وسعت ایران باستان، وطن‌پرستی و استقلال ملی دارد. اساس این اندیشه بر براندازی سلطنت مطلقه، برقراری حکومت پارلمانی و جداسازی سیاست و مذهب است. جریان تفکری است ترقی‌خواهانه، تا حدی شکاک و بر پایه اصل برتری روح و اندیشه انسان.

میرزا عبدالرحیم طالبوف تبریزی (۱۸۴۳-۱۹۱۱) بیست و دو سال پس از آخوندزاده چشم بر جهان هستی می‌گشاید. او که دارای اصلیت آذربایجانی است در ۱۶ سالگی ترک وطن کرده، برای تجارت عازم تغلیس می‌شود؛ در قفقاز به‌جمع ایرانیانی برمی‌خورد که آخوندزاده نیز در میان آنان است و به‌تازگی به‌سمت مترجم برگزیده شده است. طالبوف جوان در تغلیس با ادبیات اروپایی آشنا می‌شود، به‌ترجمه آثار نویسندگان و فلاسفه انقلاب پرداخته و توجه خود را، به‌ویژه بر مسائل تربیتی و علمی متمرکز می‌سازد. در میان آثار طالبوف «کتاب احمد» نقشی



زبان و فرهنگ ایران

۴۸

اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی

تألیف
دکتر فریدون آدمیت

کتابخانه آفرین

دانشگاه عالی دانشکده
تهران

۳۰۰۰۰۰

۱۰۰

بنیادین در نشر اندیشه‌های نوین ایفا می‌کند. در اینجا لازم است مجدداً بر قدرت تشخیص و روشن بینی فریدون آدمیت آفرین بگوییم چون برای نخستین بار در کتابش درباره طالبوف، منابع اروپایی «کتاب احمد» را مد نظر قرار می‌دهد. («اندیشه‌های طالبوف تبریزی» چاپ اول؟ چاپ دوم ۱۹۸۴). چنانکه «آدمیت» به درستی متوجه و متذکر شده است کتاب در صحبت ساده طبیعت و هیئت ترجمه «میرزا کاظم» که به وسیله محمدعلی خان ذکاءالملک فروغی در تهران (۱۹۰۰ م مطابق با ۱۳۱۸ هـ ق) انتشار یافت، اساسی برای نوشته طالبوف است. متن دو کتاب، قرابتی شگفت‌انگیز دارد. [البته] میرزا کاظم در مقدمه و به اختصار به شرح اثر اولیه که به زبان فرانسه و به وسیله یک مربی زن برای استفاده در مدارس نوشته شده، اشاره می‌کند؛ مربی زن با زبانی ساده به پاسخگویی پرسشهای دختران جوان درباره فیزیک و نجوم می‌پردازد. اما در ترجمه فارسی، گفتگو میان پدری به نام کاظم است و پسرانش احمد و محمود؛ پدر درباره مطالب فوق به سوالات پسران پاسخ می‌دهد. این ترجمه، سرآغازی است بر «کتاب احمد» که در آنجا هم به آن دو پسر برمی‌خوریم. ترجمه میرزا کاظم برای نخستین بار در روزنامه «تهران علمی» به سردبیری محمدحسن خان اعتمادالسلطنه وزیر فرهنگ و مطبوعات در عصر ناصرالدین شاه به چاپ رسید (۱۸۷۶-۱۸۷۹) و این محمدحسین فروغی بود که ترجمه را با همکاری پسرش محمدعلی به پایان رسانده در تهران منتشر کرد (۱۳۱۸ هـ ق - ۱۹۰۰ م). با مقایسه متون فوق به این نکات برمی‌خوریم: نخست اینکه «کتاب احمد» بیش از متن ترجمه شده، با ماجرا توأم است؛ اما از

سوی دیگر نوشته طالبوف به تاسی از این ترجمه، ساختی بر مبنای گفتگو دارد به طوری که هر فصل بیانگر گفتگویی جدید است که به وسیله پدر یا یکی از فرزندان مطرح می‌شود. کتاب «چرا» به این جهت، حاوی روایات و صحنه‌هایی است که جز از نظر واقعیت زمانی، در سایر موارد بر اطلاعات مستند مبتنی هستند. در متن ترجمه‌شده، محاورات صمیمانه خانوادگی، از همان ابتدا، به منزله بستری برای درس علوم می‌باشد و تفکر تئوریک بر اساس عوامل زندگی روزمره شکل می‌گیرد. موضوعات مطرح‌شده در «کتاب احمد»، شباهتی بسیار نزدیک با مطالب ترجمه‌شده «میرزا کاظم» دارد مگر درباره مسائل سیاسی و اجتماعی که طالبوف به گسترش موضوع می‌پردازد. او ضمناً [از حیطة ترجمه میرزا کاظم] فراتر رفته، در روایت به سمت ایجاد تغییرات ادبی حرکت می‌کند؛ شخصیت اصلی [کتاب طالبوف] «احمد» است که داستان عنوان خود را از او می‌گیرد و شکل‌گیری ماجرا نیز پیرامون او است. به همین دلیل این نوشته را به «امیل» اثر «ژان ژاک روسو» نزدیک یافته‌اند. البته [باید افزود که] ذکر منابع ادبی و موضوعی برای توضیح آنچه در «کتاب احمد» روی می‌دهد، کفایت نمی‌کند. چرا که او به همان نسبت که از سیستم علمی بهره می‌گیرد، به دستگاه سیاسی و اجتماعی نیز توجه دارد. طالبوف در روند پیشرفت علم و تکنولوژی در جستجوی شرایط پیشرفت اجتماعی و سیاسی روشنگر است؛ او زبانی ساده و سریع‌الانتقال دارد که آنرا از مطبوعات به‌ودیعہ گرفته است: [بدین منوال]، او رئالیسم را وارد ادبیات کرده، روش گفتگو را به شکلی درخشان پرورش می‌دهد و شرایط لازم برای شکوفایی سبک ادبی رومانتیک جدید را [در زبان فارسی] ایجاد می‌کند. با مراجعه به «امیل»، می‌توان نشانه‌های تأثیر طالبوف را از طرح کلی آن کتاب بخصوص در تأکید بر اندیشه تربیت‌باز شناخت. اما باید در نظر داشت که کتاب طالبوف در کانون تغییرات اجتماعی ایران، در دوره مشروطیت به وجود می‌آید و نویسنده ورای پیروی از «روسو»، در پی یافتن نوعی علامت مشخصه نوگرایی و ایجاد یک قرابت ادبی است (کتاب «پیدایش رمان نوین فارسی» نوشته «ک. بالایی» به زودی در این باره انتشار خواهد یافت).

یکی دیگر از چهره‌های درخشان فرهنگی آن عصر میرزا آقاخان کرمانی است که بیست سال پس از طالبوف چشم بر جهان می‌گشاید (۱۸۵۴-۱۸۹۶). او کلیه تعلیمات متنوع زمان خود (مباحث قرآنی، عربی، فارسی، ادبیات، فلسفه، علوم، زبان‌شناسی...) را کسب کرده، از هیچ‌یک از آموزشهای انسان فرهیخته عصر خویش بی‌بهره نمی‌ماند. درخشش او به حدی است که او را خیلی زود به همراه دوستش شیخ روحی معتبد استامبول می‌کند. (۱۸۸۶) او در آنجا با روشنفکران ایرانی دست‌اندرکار انتشار روزنامه «اختر» ارتباط پیدا می‌کند که «میرزا حبیب اصفهانی» مترجم مشهور «حاجی بابای اصفهانی» هم در میان آنان است. احتمال می‌رود که کرمانی در ترجمه مذکور و همچنین در ترجمه «ژیل بلاس» دستی برده باشد زیرا دست‌نوشته‌ای از ترجمه‌ای که او از «ماجراهای تله‌ماکی» و «فیلون» کرد، موجود است. آثار کمتر نویسنده‌ای گوناگونی و وسعت نوشته‌های کرمانی را دارد؛ اما متأسفانه، سرانجام خوشونت بار زندگی او پس از قتل ناصرالدین‌شاه و پراکندگی آثارش، مانع از تنظیم کتابنامه‌ای دقیق می‌شود. در زمینه ادبیات

مقالات تاریخی

فریدون آدمیت



عابان ماه‌آباد - پاساژ سلوی - انقراة شهر
۷۵ ریال

۱۰۲

علاوه بر آثار او در زمینه تاریخ و نقد باید به‌طور ویژه به مطالعه تطبیقی‌اش بر «کافه سورات» اثر «برناردین دو سن‌پیر» توجه داشت. اما با توجه به نظریه «فریدون آدمیت» مبنی بر لزوم تجزیه و تحلیل مستند تاریخ ادبیات، معمای رمانهای تاریخی حل‌نشده باقی می‌ماند. در واقع دو رمان استثنایی تحت عناوین «دام‌گستران یا انتقام‌خواهان مزدک» و «مانی نقاش» در میان آثار صنعتی‌زاده کرمانی به چشم می‌خورد که کتاب اول بازگوکننده تاریخچه از میان رفتن یزدگرد سوم، آخرین امپراطور ساسانی در دو جلد می‌باشد و دومی زندگی مانی، نقاش و اندیشمند ایرانی و پایه‌گذار مکتب مانوی را به‌تحریر درآورده است. مسئله تردیدبرانگیز در اینجا، اعتراف خود نویسنده در مقدمه کتاب «دام‌گستران»، مبنی بر نگارش آن در سن ۱۶ سالگی است. حال آنکه با توجه به تاریخچه زندگی او (یعنی صنعتی‌زاده کرمانی) و کودکی همراه با فقر و به‌دور از امکانات جلدی و مرتب تحصیل، بعید می‌نماید که چنین نوجوانی، قادر به گردآوری و تنظیم این‌همه مطالب تاریخی و مستندات علمی بوده باشد. از سوی دیگر انشای رمان هم نشانگر پختگی ادبی و شناخت رمان اروپایی است و تنها فردی باتجربه، تحصیل‌کرده و آشنا به زبانهای خارجی می‌توانسته نویسنده آن باشد. سرانجام باید اضافه کرد که در مطالعه این رمانها به مطالب مهم تاریخی-سیاسی مورد علاقه میرزا آقاخان برمی‌خوریم (ناسیونالیسم، استقلال روح و اندیشه انسان و شکوهمندی ایران باستان). واقعیت تاریخی را نیز باید بر این شواهد نوشتاری افزود: این‌که پدر صنعتی‌زاده کرمانی در استامبول مستخدم میرزا آقاخان بود و به‌بخشی از نوشته‌های او، پس از اعدام، دسترسی یافت. در

این باره، آدمیت به نمونه دست‌نوشته [میرزا آقاخان] تحت عنوان «رضوان» اشاره دارد که همچنان در اختیار خانوادهٔ صنعتی‌زاده است. (رضوان تقلیدی از گلستان سعدی است). بدین ترتیب می‌توان گفت که تاریخ ترجمه و نقد ادبی [ایران] با میرزا آقاخان کرمانی آغاز شده و با پیدایش سبک ادبی رماتیکی بستگی تفکیک‌ناپذیر دارد.

آدمیت در مقام مورخ، با تشریح چهرهٔ آخوندزاده، طالبوف و میرزا آقاخان کرمانی به ساختن چهرهٔ ایران در تقابل با دست‌ها دست می‌زند؛ ایرانی که گام در مرحلهٔ تجدید می‌گذارد. او با این عمل همچنین نقش محیط‌های مجاور (بخصوص ترکیه و قفقاز) را در تغییر و تبدیلات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به اثبات می‌رساند. مگر درخشش روشنگرانهٔ آخوندزاده و طالبوف بدون در نظر گرفتن تفلیس قابل درک است؟ یا مگر می‌توان تجلی میرزا آقاخان را جدا از استامبول در نظر گرفت؟ به عبارت دیگر انقلاب روشنفکری که بنیاد مشروطیت و بیداری ایرانیان محسوب می‌شود در حرکتی دَوْرانی و محیطی گرد مرکزیت تهران به‌انجام رسید؛ ضمن اینکه نقش مهم موقعیتی تبریز را در تحرک انقلابی نباید از نظر دور داشت. آیا زادگاه حرکات اصلاح‌طلبانه جایی جز این مرکز آذربایجانی است؟ مگر نه اینکه اندیشه‌های نوین، تکنولوژی و سیستم‌های جدید از تبریز روانهٔ تهران شد؟ [البته] علاوه بر تبریز باید به تفلیس، استامبول و حتی دورتر یعنی به کلکته و قاهره نیز نظر داشت که «ابراهیم‌بیگ» از آنجا سفر دراز خود بر گرد ایران را آغاز کرد و اثر تخیلی «زین‌العابدین مراغه‌ای» بازگوکنندهٔ این سفر است.

به‌همت کار مورخ، آثار روشن و منابع بازیافته شده‌اند. به این ترتیب است که هم‌زمان با نگارش تاریخ اندیشهٔ ایرانی، بنیادهای نقد ادبی و ادبیات نوین ایران گذاشته می‌شود؛ و به این خاطر باید بر روشن‌بینی فریدون آدمیت بار دیگر آفرین گفت.